



فرخ مروستی

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۴/۳/۳

مصاحبه کننده: سیدمصطفی هاشمی یرکی

دانشکده: مهندسی برق

سال ورود: ۱۳۵۴



• درباره فعالیت‌تان در دانشگاه شریف بگویید و اتفاقاتی که در این سال رخ داد.

از بهمن ۱۳۵۴ در دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تدریس شدم. طرح سربازی‌ام را نیز در دانشگاه گذراندم. زمانی که به دانشکده مهندسی برق آمدم دکتر نحوی رئیس دپارتمان بود. قبل از ایشان نیز دکتر خاکسار این سمت را عهده‌دار بود. دکتر سیدحسین نصر نیز به کرسی ریاست دانشگاه تکیه زده بود. در بحبوحه شلوغی و اعتصابات دانشگاه در روزهای پیروزی انقلاب، در دانشگاه نقش کلیدی داشتم.

به خاطر دارم در آن ایام بدلیل موضع‌گیری‌های سیاسی برخی از استادان و دانشجویان، حقوق استادها را قطع و تهدید کرده‌بودند دانشگاه را تعطیل و به اصفهان منتقل می‌کنند. من، دکتر اخوان و تعدادی از استادان تصمیم گرفتیم یک حساب بانکی باز کنیم و به استادانی که نیاز مالی داشتند حقوق پرداخت کنیم تا ساواک با فشار بر استادها نتواند اعتصابات را بشکند. البته ساواک نیز دنبال بود. به‌هرحال دامنه اعتصابات در شهر آنچنان گسترش یافته بود که انقلاب به پیروزی رسید و جمهوری اسلامی شکل گرفت.

در روزهای ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب، فضای دانشگاه به‌دلیل وجود استادان و دانشجویان با گرایش‌های مختلف سیاسی اعم از اسلامی و مارکسیستی ملتهب بود. دانشجویان با اسلحه‌هایی که از طریق دوستانمان از پادگان‌ها گرفته بودیم مسئولیت حفاظت از دانشگاه را به‌عهده گرفتند.

ابتدای انقلاب، خط همه اسلامی بود و تمایل به نظام اسلامی و امام داشتند. چپی‌ها هم تا حدود زیادی متحد بودند حتی سعی کرده بودند افراد غیرمذهبی سکولار که چپ هم نبودند را به خودشان جذب کنند. جناح‌های اسلامی ابتدا متحد بودند تا اینکه کم‌کم سازمان مجاهدین خلق خط خودش را از انجمن اسلامی جدا کرد و نام خود را دانشجویان مسلمان گذاشت.

به‌همراه دکتر حداد عادل و دکتر سروش برای اولین‌بار در تلویزیون درخصوص انقلاب فرهنگی و دلایل آن که مدرک‌زدایی و رفع تشنج در محیط دانشگاه بود، صحبت کردیم. فردای آن‌روز بنی‌صدر دانشگاه‌ها را تعطیل و اعلام کرد شورای انقلاب فرهنگی تاسیس شد. بعضی از برنامه‌های درسی تغییر کرد. ولی نهایتاً خیلی از اهداف انقلاب فرهنگی برآورده نشد. نه‌تنها مدرک‌زدایی نشد بلکه مدرک‌گرایی نیز بیشتر شد.

شماره ۱
شماره ۲
شماره ۳
شماره ۴
شماره ۵
شماره ۶
شماره ۷
شماره ۸
شماره ۹
شماره ۱۰



بعد از دو سال که دانشگاه‌ها باز شد انجمن دانشجویان مسلمان که به مسعود رجبی گرایش داشتند باز هم به مخالفت با باز شدن دانشگاه‌ها پرداختند. چون هدفشان مخالفت با نظام بود تا دلایل دیگر.

پس از بازگشایی، به دلیل اینکه تعدادی از استادان از ایران رفته و عده‌ای نیز اخراج شده بودند برخی از دانشگاه‌ها صدمه زیادی دید مثل دانشگاه شریف و دانشگاه شیراز. افرادی که در جناح چپ بودند اعتصاب و اعتراض می‌کردند، به همین دلیل یا تسویه شدند یا خودشان رفتند بعضی هم به زندان افتادند. جمعا ۱۶ نفر تسویه شدند. قبل از تعطیلی دانشگاه که من مسئول گروه پاکسازی بودم فقط یکی ۲ نفر اخراج شدند. دلیل پاکسازی آنان همکاری با ساواک و تشکیلات فراماسونری بود. تعدادی از نگهبان‌ها بودند که در روزهای انقلاب اعلامیه‌های بچه‌ها را جمع می‌کردند و به ساواک تحویل می‌دادند. با این حال با آنها برخورد چندان نکرديم چون حقوق اندکی می‌گرفتند و تحت فشار ساواک بودند. ولی بعد از تعطیلی دانشگاه و زمانی که اینجانب برای راه‌اندازی مرکز تحقیقات، مشاور شهید قندی شده بودم، حدود ۱۶ نفر از استادان معترض دانشگاه شریف اخراج شدند.

• در زمینه راه‌اندازی جامعه اسلامی دانشگاهیان هم فعالیت کرده‌اید؟

در ابتدای انقلاب برای راه‌اندازی جامعه اسلامی دانشگاهیان فعالیت می‌کردم. کارمندان هم فعالیت‌هایی داشتند. گاهی اوقات مقابل استادان قرار می‌گرفتند. دانشجویان انجمن اسلامی با جامعه اسلامی هماهنگی داشتند. گاهی اوقات که به جلسات هیئت دولت می‌رفتیم تعدادی از دانشجویان را نیز می‌بردیم اما با کارمندان هماهنگی نداشتیم. فقط گاهی در شوراها حضور داشتند.

• نتیجه انقلاب فرهنگی چه بود؟

آن اهدافی که از انقلاب فرهنگی در ذهن ما بود، محقق نشد. مثلا جنبه مدرک‌گرایی به مراتب بیشتر شد. حتی خیلی افراد دکتر و مهندس شدند، بدون اینکه از دانشگاه مدرک گرفته باشند. اتفاقی که رخ داد درست ضد اهداف انقلاب فرهنگی بود. به هر حال تکیه



اصلی ما در حفظ کیفیت آکادمیک دانشگاه بود چون دانشگاه صنعتی آریامهر قبل از انقلاب نقش موثری داشت و دانشگاه فنی را پشت سر گذاشته بود. ۲- سه سال قبل از انقلاب، من در دانشگاه شریف کیفیتی می‌دیدم که می‌خواستم آن را حفظ کنم.

• پس از انقلاب شرایط دانشگاه شریف چگونه شد؟

بعد از انقلاب، چند اتفاق برای دانشگاه صنعتی شریف پیش آمد که زیاد به نفعش نشد. یکی اینکه تابع مقررات دولتی، مشابه دانشگاه تهران شدیم. قبل از انقلاب دانشگاه ما به صورت خصوصی توسط هیات امنا اداره می‌شد. دانشگاه پهلوی شیراز هم خصوصی بود. بعد از انقلاب هر ۲ دولتی شدیم و بروکراسی بیشتر شد. تمام تلاش ما در دانشگاه این بود که کیفیت پژوهش را بالا ببریم و البته من چند سالی فرصت مطالعاتی بودم و عملاً استعفا داده بودم و در دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس تدریس می‌کردم. پس از بازگشت، مجدداً استخدام شدم. همیشه بیشترین تلاشم برای پژوهش بوده‌است. چون به این نتیجه رسیده‌ام که دانشگاه‌های خوب جهانی، تکیه بر پژوهش دارند، نه آموزش ولی دانشگاه‌های متوسط بیشتر تکیه‌شان بر آموزش است. به دلیل اینکه من پژوهش‌محور هستم تعدادی دانشجوی نخبه تربیت و مقالات بی‌شماری تولید کرده‌ام. با صنعت نیز همکاری زیادی داشته‌ام. فرهنگستان علوم مرا به عنوان استاد برجسته معرفی کرد و از طرف صندوق حمایت از پژوهشگران کشور به مدت ۵ سال کرسی پژوهشی دریافت کردم. همچنین یازده سال است که ریاست پژوهشکده مخابرات نظری دانشگاه شریف را برعهده دارم.

• درباره دانشجویان دانشگاه شریف بگویید.

دانشگاه شریف از لحاظ کیفیت دانشجو نه تنها در ایران بلکه در جهان بی‌نظیر است. چون ۸۰۰ نفر اول کنکور سراسری و اکثر المپیادی‌ها به شریف می‌آیند. ولی چند مشکل اساسی در دانشگاه وجود دارد که یکی از آنها بودجه کم است. دو سال قبل، از یازده استادی که در کل ایران، از طرف فرهنگستان علوم، استاد برجسته شناخته شدند، ۴ نفر از شریف بودند. حدوداً ۳۶ درصد کل دانشگاهی‌ها، آیا ما همین میزان بودجه را از کل بودجه تخصیص داده شده به دانشگاه‌ها داریم؟ خیر.



حتی فکر می‌کنم بودجه دانشگاه علم و صنعت و امیرکبیر از ما بیشتر باشد. بودجه دانشگاه شریف بسیار ناچیز است. دولت مردان به‌خصوص در ۱۰ سال گذشته توجه کمی به این دانشگاه داشتند. به‌عنوان مثال چون دکتر احمدی‌نژاد، هیات علمی دانشگاه علم و صنعت بود، توجه زیادی به آن دانشگاه داشت. دانشگاه ما نیز به‌خاطر بودجه ناکافی، صدمه زیادی دید.

یکی دیگر اینکه نگرش پژوهشی در دانشگاه شریف وابسته به نگرش مدیران است. مدیرانی اعتقاد به کار بنیادی دارند و برخی دیگر پژوهش کاربردی را در اولویت قرار می‌دهند. از لحاظ پژوهش، بینش واحدی بر دانشگاه حاکم نیست. مشکل دیگر در دانشگاه ما کمبود فضاست. فضا برای توسعه کلا خیلی کم است. اگر مسئولان اعتقاد دارند دانشگاه شریف بهترین دانشگاه علمی و مهندسی کشور است، باید بیشتر به آن برسند. همان‌طور که به دانشجوی نخبه می‌رسند.

• فعالیت استادان در خارج از دانشگاه چه پیامدی به دنبال داشت؟

تقریباً بیش از ۹۰ درصد از استادان دانشکده مهندسی برق، پیش از انقلاب در دانشگاه حضور فیزیکی داشتند و خارج از دانشکده کار نمی‌کردند. ولی الان شاید حدود ۵۰ درصد از آنان شرکت خصوصی دارند. در نتیجه حضور فیزیکی خیلی کمی در دانشگاه دارند. تعامل آنان با دانشجویان خیلی کم است. بیشتر با دانشجویان دکترا و فوق‌لیسانس در ارتباط هستند. این امر نارضایتی دانشجویان لیسانس را به دنبال داشته‌است. تاسیس شرکت‌های خصوصی دانشگاهیان چند مشکل را به‌وجود می‌آورد؛ یکی حضور نداشتن آنان در دانشگاه است. هدف مهمی که دانشگاهیان از راه‌اندازی چنین شرکت‌هایی دنبال می‌کنند سوددهی آن است. اگرچه راه‌اندازی این شرکت‌ها به‌نوعی اشتغال‌زایی نیز به‌شمار می‌آید ولی استخدام دانشجو و بیگاری گرفتن از آنان نیز در این شرکت‌ها اتفاق می‌افتد. این اتفاقاتی است که متأسفانه پس از انقلاب رخ داد. یک عامل آن، شرکت‌های دولتی بودند که استادها را تشویق به افتتاح شرکت می‌کردند تا به آن‌ها پول بدهند که این به ضرر دانشگاه و همچنین دانشجویها تمام شد.



اخیراً سعی کرده‌ایم استادهایی را که استخدام می‌کنیم تا زمانی که دوران آزمایشی را می‌گذرانند و هنوز رسمی نشده‌اند، حداقل طی ۵ سال، خارج از دانشگاه کار نکنند تا تعامل بیشتری با دانشجویان و دیگر استادان داشته باشند ولی عملاً صد در صد موفق نبوده‌ایم. دانشجویان ما دانشجویان خاصی هستند. چون کلاً باهوش و نخبه هستند. روحیات خاص خودشان را دارند و استادان هم از این تیپ هستند ولی زیاد حرف هم را نمی‌فهمند یعنی تعامل کمتری دارند و روحیه همدیگر را کمتر می‌شناسند. افسردگی در دانشجو و بعضاً در استاد وجود دارد. حالا شاید این موضوع به خاطر عواملی چون شرایط محیطی، اقتصادی و خانوادگی باشد که باید این‌ها را حل کرد. استادان باید دانشجویان مسئله‌دار را برای مشاوره نزد روان‌شناس بفرستند. در واقع باید کمی روان‌شناسی نیز بلد باشند.

• سطح علمی دانشکده برق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در خصوص سطح علمی دانشکده مهندسی برق باید بگویم از ۴ استاد و مهندس برجسته منتخب فرهنگستان علوم و مهندسی در سال ۹۲، دونفر از دانشکده برق بودند؛ دکتر نایبی و بنده. دکتر فتوحی نیز منتخب جایزه علامه طباطبایی بود. ایشان در آن‌زمان رئیس دپارتمان دانشکده بود. چند سال قبل دکتر صالحی به‌عنوان پژوهشگر پراستناد انتخاب شدند. در حال حاضر ایشان رئیس گروه مهندسی برق فرهنگستان علوم است و ریاست گروه علوم مهندسی فرهنگستان را دکتر عارف برعهده دارد که هر ۲ نفر از استادان دانشکده برق هستند. از لحاظ جوایز و دستاوردها، سابقه دانشکده برق بسیار درخشان است. هم‌اکنون با بیش از ۷۵ نفر هیات علمی، بزرگترین دانشکده دانشگاه شریف است. علاوه بر جمعیت و کیفیت استادهایم، بهترین دانشجویان شریف هم در دانشکده برق تحصیل می‌کنند. یعنی تقریباً ۱۰۰ نفر اول کنکور سراسری به دانشکده برق دانشگاه شریف می‌آیند. سالانه در حدود ۳۰ دانشجوی المپیادی طلای کشور یا جهانی در رشته ریاضیات و فیزیک نیز به دانشکده برق می‌آیند. قبلاً از شیمی هم دانشجو می‌گرفتیم ولی الان جذب نمی‌شوند. مجموعه این اطلاعات نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان المپیادی و بهترین‌های کنکور به برق شریف می‌آیند. دانشجویان خوب، لزوماً علاقه به برق ندارند و فقط به خاطر اسم دانشکده است که آن را انتخاب می‌کنند.



الان امکانات ما زیاد شده است اما دانشجویان مان افزایش یافته اند. در حال حاضر در مقطع لیسانس ۱۵۰ دانشجو از طریق کنکور جذب می شوند. ۳۰ نفر از طریق المپیادها، ۳۰ نفر سهمیه خانواده استادها و شهدا هستند که در مجموع سالانه ۲۱۰ نفر می شوند. ما ظرفیت سرویس دادن به این تعداد را نداریم. ظرفیت مان واقعا بیشتر از ۱۲۰ نفر نیست. پیش از انقلاب هم همیشه کمتر از ۱۲۰ نفر دانشجو می گرفتیم. البته دانشکده کوچکتر بود و ۳۰ استاد بیشتر نداشتیم. امروز ساختمان جدید داریم ولی باز هم سرویس دهی به این جمعیت دانشگاهی زیاد مناسب نیست. ولی بزرگترین مشکلی که دانشگاه با آن مواجه است نبود بودجه برای دانشکده ها است. این که دانشکده ها بدانند چه مقدار بودجه دارند تا بتوانند متناسب با آن برنامه ریزی کنند، خیلی مهم است. سیستم دانشگاه بسیار متمرکز است. فقط رئیس دانشگاه و بعضی از معاونان حق خرج کردن و حساب باز کردن دارند. دانشکده ها و پژوهشکده ها حق عقد قرارداد به صورت مستقل ندارند و باید زیر نظر معاونت پژوهشی اقدام کنند. به هر حال دانشگاه خیلی بزرگ شده است و این حجم نمی تواند با ۲ یا سه معاونت اداره شود. به همین دلیل کارها، کند انجام می شود. به نظرم بزرگترین مشکل بروکراسی است که باید از میان برداشته شود.

• بنابراین بحث استقلال بیشتر دانشکده ها به میان می آید؟

معتقدم همانطور که وزارت علوم باید استقلال بیش تری چه برای استخدام استاد و چه برای گرفتن دانشجو به دانشگاه ها بدهد، دانشگاه هم باید دانشکده ها را در انجام امور خودشان مستقل تر کند. چون اکنون کل دولت با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی در حال خصوصی شدن است ولی دانشگاه ما هنوز همان نظام متمرکز بوروکراتیک سابق خودش را حفظ کرده است.

• در حال حاضر وضعیت دانشگاه را پیر ارزیابی می کنید یا جوان؟

در حال حاضر دانشگاه پیر شده است. کارها نیز تا حدودی به کندی انجام می شود. این امر شاید به خاطر پیری مدیران به خصوص بخش اداری و مالی باشد. همه مسن شده اند و وقت بازنشستگی شان رسیده است.



تعدادی از استادان نیز در سن بازنشستگی هستند ولی استاد جوان هم استخدام می‌کنیم اما در کادر اداری و مالی اینطور نیست. تا طرف فوت نکند کسی جایگزین او نمی‌شود. استادها هر ۲ تیپ را دارند؛ هم مسن و با تجربه و هم جوان و پر انرژی. ما چاره‌ای نداریم بجز این که زمین‌های دیگری بگیریم. باید بودجه‌های عمرانی داشته باشیم. اشکال کار این است اکثر ساختمان‌ها به‌جای استفاده از بودجه دولتی، با حمایت مالی شرکت‌هایی چون نفت و توانیر ساخته شده‌اند. ۹۰ درصد کار هیات امنای و رئیس دانشگاه، آوردن پول به دانشگاه است ولی اینجا این اتفاق نمی‌افتد. تحقق این امر بستگی به ارتباط رئیس دانشگاه با دولت و دولت‌مردان دارد. اگر دولت‌مردان از دانشگاه ما باشند شرایط بهتر می‌شود مثلاً زمانی که دکتر عارف معاون آقای خاتمی بود با اینکه سعی می‌کردند عدالت را رعایت کند، باز به نفع دانشگاه شریف تمام شد. یا حضور دکتر عباسپور در مجلس به نفع دانشگاه شریف بود. هر مشکلی، سعی می‌شد از طریق این آقایان حل شود. در مورد دانشگاه‌های دیگر نیز این اتفاق افتاده است. مثلاً در ۱۰ سال گذشته زمان ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد بیشترین سود نصیب دانشگاه علم و صنعت شد. چون نه تنها ایشان، بلکه ۴ تن از وزرا هم از دانشگاه علم و صنعت بودند و این خود به خود دانشگاه را تقویت می‌کرد.

• نظراتان درباره فعالیت‌های فوق‌برنامه چیست؟

معتقدم باید بیشتر از لحاظ فرهنگی کار شود. این امر قبلاً زیر نظر معاونت دانشجویی بود. اکنون نیز تا حدودی هست. مثل فعالیت‌های فوق‌برنامه استادان و دانشجویان که شامل کنسرت و تئاتر و موسیقی می‌شود. این برنامه‌ها را باید بیشتر کرد. شنیدم قرار است شهرام ناظری برنامه داشته باشد. اینجا همه بلیط‌هایش پیش‌فروش شده است. یعنی طرفداران زیادی دارد. پیش از انقلاب اگر تالار رودکی برنامه‌ای داشت مثل تئاتر و یا یک برنامه موسیقی و یا کنسرت، به دانشگاهیان بلیط‌های نصف قیمت تخصیص می‌دادند. این کارها را باید معاونت فرهنگی انجام دهد. اطلاع‌رسانی کند که در هنر‌سراهای مختلف چه برنامه‌ای در جریان است. سپس بتواند برای دانشگاهیان بلیط‌های ارزان قیمت تهیه کند.



کارهای فرهنگی خیلی مفید و سودمند است چون کارهای هنری غذای روح است. روح علاوه بر دین و مذهب به هنر نیز نیاز دارد. به قول بعضی از بزرگان، دین دری به بیرون است و هنر پنجره‌ای به بیرون که هر دوی آن لازم است.

• پیشنهادتان چیست برای این که دانشگاه صنعتی شریف پس از پنجاه سال وارد دوره جدید شود؟

اگر تکیه‌مان را از آموزش به سمت پژوهش ببریم و بتوانیم از دولت یک بودجه بسیار زیاد پژوهشی دریافت کنیم. بزرگ‌ترین اتفاقی است که می‌تواند برای دانشگاه ما روی دهد. چون دانشگاه شریف طی ۵۰ سال اخیر آموزش‌محور بوده و باید مانند دانشگاه‌های آکسفورد انگلیس و هاروارد و دهلی و .. در آمریکا پژوهش‌محور شویم. دانشگاه شریف که جزو بهترین دانشگاه‌های منطقه است باید پژوهش‌محور شود که برای تحقق آن، هم بودجه لازم است و هم، همت مدیریت و ایجاد امکانات از لحاظ فضا و آموزش.

• خاطره‌ای از دانشجویان تان به یاد دارید؟

خاطره زیاد است. یکی از شرکت‌های موفق الکترونیکی مدیر عاملش از دانشجویان سابقم بود. مرا برای دریافت کمک به ایشان معرفی کردند. ظاهراً پیش از آن به دانشکده نیز کمک کرده بود. به ایشان گفتم؛ شما دانشجوی سابق من بوده‌اید. چهره مبهمی از شما به یاد دارم. گفت؛ بله من شما را خوب می‌شناسم و خاطره خوبی از شما ندارم. گفتم؛ چرا؟ گفت؛ من برگه امتحانی‌ام را سفید دادم، هر چه خواهش کردم به من صفر ندهید، قبول نکردید. گفتم؛ برای صفر من موفق شدید و تو کار خود پیشرفت کردید و گرنه ادامه تحصیل داده بودید، و سرنوشت شما عوض شده بود.

یک خاطره دیگر هم این که، چند سال قبل به مرکز استانداردها مراجعه کردم. دانشجوی سابقم در دوره پیش از انقلاب، مهندس مرکز استانداردها بود. فوراً ایشان را شناختم. جلو رفتم و سلام کردم و سوال کردم؛ آیا من را می‌شناسد؟ گفت؛ ببخشید من شما را نمی‌شناسم. استاد، دانشجوی خود را شناخت ولی دانشجو، استاد خود را که هر روز سر کلاس می‌دید نشناخت. مجبور شدم خودم را معرفی کنم تا مرا بشناسد.